

## بررسی پسوندگرایی در منتخبی از زبان‌های ایرانی

مهرداد مشکین‌فام (دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه بوعلی‌سینا)

الهام ایزدی (دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه بوعلی‌سینا)

چکیده: انگیزه‌های رقیب، به توصیف تقابل اصول جهانی یا انگیزه‌ها به‌منظور چرایی وجود گوناگونی انواع زبانی می‌پردازد. یکی از رویکردها در تحلیل انگیزه‌های رقیب به تعمیم ترتیب وندها در کلمه‌ها برمی‌گردد. همواره در مطالعات بین‌زبانی شاهد ترجیح زیاد پسوند به دیگر انواع وندها در زبان‌ها بوده‌ایم. این به این معنا است که الگوی «پایه - پسوند» در زبان‌ها، الگویی ارجح است. در این پژوهش، به بررسی رده‌شناختی این الگوی ارجح در نه زبان ایرانی پرداخته‌ایم. با بررسی داده‌های این پژوهش این نتیجه حاصل شد که زبان‌های ایرانی نیز همانند دیگر زبان‌های جهان الگوی «پایه - پسوند» را ترجیح می‌دهند. کلیدواژه‌ها: انگیزه‌های رقیب، پسوند، رده‌شناسی، نقش‌گرایی

### ۱. مقدمه

در انگیزه‌های رقیب<sup>۱</sup>، هیچ زبانی آرمانی نیست؛ زیرا اصول همگانی متفاوتی که انواع زبان‌ها را شکل می‌دهند، همواره با یکدیگر در رقابت‌اند. الگوی انگیزه‌های رقیب، تبیین مناسبی از گوناگونی‌های رده‌شناختی و محدودیت‌هایی بر آن گوناگونی‌ها به‌دست می‌دهد

(کرافت ۲۰۰۳: ۶۴). در این الگو، همهٔ انگیزه‌های رقیب منشأ نقشی دارند. اگرچه انگیزه‌های رقیب، دستور یک زبان خاص را شکل می‌دهند، زبان‌ویژه نیستند و همهٔ گویشوران همهٔ انگیزه‌ها را در بافت اجتماعی و شناختی خود دارند.

برای نمونه، تعدادی از زبان‌شناسان مجموعه‌ای از اصول همگانی کاربردشناختی را به‌عنوان انگیزه‌هایی برای ترتیب واژه‌ها مطرح کرده‌اند. این اصول قدمت زیادی در تاریخ نقش‌گرایی دارند اما مهم‌ترین آنها در زیر آورده شده‌است (نک: هایمن ۱۹۸۵: ۲۳۷-۲۳۸؛ یسپرسن ۱۹۰۹: ۵۴/۷؛ بهاگل ۱۹۲۳: ۳۲/۴؛ تاملین ۱۹۸۶؛ میتون ۱۹۸۷؛ گیوان ۱۹۸۸):

(۱) در یک پاره‌گفتار اطلاع کهنه اول و اطلاع نو بعد از آن می‌آید؛ (۲) نظراتی که با یکدیگر ارتباط تنگاتنگی دارند، گرایش به باهم‌آیی دارند؛ (۳) چیزی که در ذهن گوینده، کمتر قابل پیش‌بینی است و برای گوینده و شنونده مهم‌تر است، اول می‌آید.

همان‌طورکه مشخص است، اصل ۱ با اصل ۳ در تقابل است؛ زیرا مطابق اصل ۱ اطلاع کهنه اول، اما طبق اصل ۳ اطلاع نو اول بیان می‌شود. همچنین، اصل ۲ نیز در تقابل با اصل ۳ است؛ زیرا مطابق اصل ۲، سازه‌ها در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، اما اصل ۳ جداکنندهٔ سازه‌ها از یکدیگر است.

برای مثال، همان‌طورکه هایمن (۱۹۸۵) اظهار می‌دارد، اصل ۳ در مورد سؤالات محتوایی انگلیسی صدق می‌کند که کلمهٔ پرسشی در موقعیت تمرکز جمله قرار می‌گیرد و اصل ۲ در مورد بندهای موصولی انگلیسی صدق می‌کند؛ زیرا همان عنصر نحوی در کنار هستهٔ اسمی قرار می‌گیرد، مانند نمونه‌های زیر:

1) Who opened the window? چه کسی پنجره را باز کرد؟

2) The person who talked to me yesterday is my best friend.

کسی که دیروز با من صحبت کرد، بهترین دوست من است.

به‌عبارت دیگر، همان‌طورکه از نمونه‌های فوق نیز قابل استخراج است، برای سؤالات محتوایی تمرکز را اصل ۳ به‌وجود می‌آورد و مانع از اعمال اصل ۲ که تأکید بر نزدیکی سازه‌ها دارد، می‌شود، اما در مورد ضمائر موصولی، کانون<sup>۱</sup> کارایی ندارد، در نتیجه اصل ۲

آزاد است تا عمل کند. این اصول به این شیوه در زبان انگلیسی در رقابت‌اند، اما در زبان‌های دیگر ممکن است به شیوه‌ای دیگر رقابت کنند. برای مثال، جایگاه کانون در زبان مجارستانی در ابتدای جمله نیست، بلکه پیش از فعل است (کرافت ۲۰۰۳: ۶۱):

- 3) A lova -t ki hozta haza?  
The horse -ACC who brought home  
چه کسی اسب را به خانه آورد؟

همچنین در این زبان، ضمیر موصولی از فعل جدا است (هایمن ۱۹۸۵: ۲۴۴):

- 4) az újság amit Pista végig olvasott  
The newspaper which Stephen to.the.end read  
روزنامه‌ای که استفن تا آخر خواند.

از نمونه‌های فوق، می‌توان دریافت که اصل ۱ و ۲ وجود دارند و به شیوه‌های متفاوتی در رقابت‌اند.

ما در اینجا به نمونه دیگری از انگیزه‌های رقیب می‌پردازیم. این وضعیت که انگیزه‌های رقیب در تعیین آن نقش دارند، ترتیب پایه و وند است. یعنی دو احتمال وجود دارد: ۱. پایه - پسوند و ۲. پیشوند - پایه. در همین راستا هاکینز و گیلیگان (۱۹۸۸) همگانی تلویحی‌ای را معرفی می‌کنند:

Prefix-Root > VO/Pre و OV/Post > Root-suffix<sup>1</sup>

این همگانی به این معنا است که زبان‌های فعل‌پایان (OV) با پسوندگرایی و زبان‌های فعل‌آغاز (VO) با پیشوندگرایی هماهنگی دارند؛ یعنی زبان‌های فعل‌پایان بیشتر دارای پسوند و زبان‌های فعل‌آغاز دارای پیشونداند. این همگانی تلویحی نشان‌دهنده ارجحیت الگوی «پایه-پسوند» نسبت به الگوی «پیشوند-پایه» است. برای نمونه، هاوکینز و گیلیگان (۱۹۸۸: ۲۳۲) با بررسی وندهایی که مفهوم جنسیت را بیان می‌کنند، به نتایج زیر دست یافته‌اند:

۱. در این مقاله، منظور از (O) مفعول، (V) فعل، (prefix) پیشوند، (suffix) پسوند و (root) ریشه است.

## جدول ۱. وندهای جنسیت در زبان‌های جهان

انواع ترتیب	جنسیت پیشوندی	جنسیت پسوندی
VO or Prep	٪۲۰	٪۳۰
OV or Post	٪۰	٪۵۰

همان‌طورکه از جدول فوق مشخص است، در زبان‌های فعل‌پایان (OV) گرایش کاملاً به سمت الگوی «پایه - پسوند» است و در زبان‌های فعل‌آغاز (VO) تنها شاهد ٪۲۰ گرایش به سمت الگوی «پیشوند - پایه» هستیم. بنابراین، طبق جدول بالا، ٪۸۰ وندهای جنسیت در زبان‌ها، پسوند هستند که این نشانگر غالب بودن الگوی «پایه - پسوند» در بین زبان‌ها است. در واقع، در اینجا با یک تحلیل انگیزه رقیب ارجح - هماهنگی سروکار داریم؛ به این معنا که الگوی «پایه - پسوند» به الگوی «پیشوند - پایه» با هماهنگی ترتیب واژه مفعول - فعل ارجحیت دارد. در این پژوهش، به دنبال بررسی این مهم هستیم که آیا زبان‌های ایرانی از قبیل تاتی، کردی، وفسی، گیلکی، تالشی، بلوچی، دوانی، لارستانی و فارسی از الگوی «پایه - پسوند» پیروی می‌کنند یا از الگوی «پیشوند - پایه»؟ و اینکه چه انگیزه‌های رقیبی باعث این گرایش می‌شوند؟ در این پژوهش انتظار می‌رود که زبان‌های ایرانی از الگوی ارجح «پایه - پسوند» پیروی کنند؛ زیرا، زبان‌های ایرانی از زبان‌های فعل‌پایان هستند.

## ۲. روش انجام پژوهش

در این پژوهش، ابتدا به بررسی ترتیب واژه (ترتیب فعل و مفعول) در منتخبی از زبان‌های ایرانی پرداخته‌ایم. سپس، وندهای موجود در منابع در هر زبان به تفکیک مورد بررسی قرار گرفت تا مشخص شود که آیا زبان‌های ایرانی منتخب برای بیان مفاهیم از الگوی «پایه - پسوند» بهره می‌برند یا از الگوی «پیشوند - پایه»؟ و اینکه با چه آرایش واژه‌ای هماهنگی دارند. مواد زبانی زبان‌های کردی (گویش بانه‌ای و سنندجی)، وفسی، لارستانی، بلوچی و دوانی مستخرج از کتاب رده‌شناسی زبان‌های ایرانی (دبیرمقدم ۱۳۹۲) است و مواد زبانی تاتی (گویش تاتی رودبار) از کتاب زبان تاتی (سبزعلیپور ۱۳۸۹) استخراج شده‌است. شواهد

زبانی تالشی (گویش مرکزی) از کتاب زبان تالشی (رضایتی کیشه‌خاله ۱۳۸۶) و گیلکی از کتاب زبان گیلکی (پورهادی ۱۳۸۷) برگرفته شده است. همچنین، شواهد زبان فارسی مستخرج از فرهنگ توصیفی دستور زبان فارسی (طباطبایی ۱۳۹۵) است.

تمامی تقطیع‌های مواد زبانی موجود در این پژوهش برگرفته از منبع اصلی هستند و سعی بر آن بوده است تا واج‌نگاری منبع اصلی نیز تا حد ممکن حفظ شود، اما در مواردی محدود به منظور یک‌دستی، واج‌نگاری منبع اصلی را تغییر داده‌ایم. برای گلاس‌نویسی<sup>۱</sup> از قوانین لاپیزیش<sup>۲</sup> (نسخه الکترونیکی) بهره برده‌ایم، اما در مواردی که علائم اختصاری آنها در این قوانین یافت نشد، از علائم اختصاری دیگری استفاده کردیم که آنها را در انتهای مقاله در قسمت علائم اختصاری آورده‌ایم. در پایان، از آنجاکه فضا محدود است، از ذکر همه نمونه‌ها خودداری و به ذکر چند شاهد برای هر زبان بسنده کرده‌ایم. اما، آمارهای موجود در پژوهش حاضر براساس کل نمونه‌های جمع‌آوری شده توسط نگارندگان است.

### ۳. مبانی نظری

اولین بار گرینبرگ (۱۹۵۷ و ۱۹۶۶) به گرایش بسامد وقوع بالای پسوند نسبت به پیشوند در بین زبان‌های جهان اشاره کرد. همان‌طورکه گفته شد، رابطهٔ پسوند و پیشوند را در زبان‌های جهان می‌توان نسبت به ترتیب واژه در آنها بررسی کرد. نتایج به‌دست‌آمده در پژوهش گرینبرگ (۱۹۶۶) به شرح زیر است:

جدول ۲. هماهنگی ترتیب واژه با پسوند و پیشوند در نمونهٔ گرینبرگ (۱۹۹۶)

فقط پیشوند	هر دو	فقط پسوند	
۱	۱۶	۲	فعل - مفعول (VO)
۰	۱	۱۰	مفعول - فعل (OV)

همان‌طورکه از جدول فوق قابل استخراج است، گرایش کلی زبان‌ها در بررسی انجام‌گرفته به سمت الگوی «پایه - پسوند» است؛ یعنی زبان‌ها گرایش به داشتن پسوند دارند تا پیشوند.

البته، این گرایش را در مورد مقوله‌های خاص نیز می‌توان بررسی کرد مانند مقوله جنسیت که در بخش (۱) به آن اشاره شد و دیگر مقوله‌ها که در زیر به‌عنوان نمونه به آنها اشاره می‌شود (دراپر ۲۰۰۱):

جدول ۳. وندهای منفی‌سازی در زبان‌های جهان

پسوند	پیشوند	منفی‌سازی
٪۷	٪۱۷	VO
٪۵۵	٪۲۱	OV

جدول ۴. وندهای نمایه‌گذاری فاعلی در زبان‌های جهان

پسوند	پیشوند	نمایه‌گذاری فاعلی
٪۱۵	٪۲۶	VO
٪۴۰	٪۱۹	OV

جدول ۵. وندهای نمایه‌گذاری مفعولی در زبان‌های جهان

پسوند	پیشوند	نمایه‌گذاری مفعولی
٪۳۲	٪۱۰	VO
٪۲۶	٪۳۲	OV

همه موارد ذکر شده در بالا، نشان‌دهنده صحت اظهارات گرینبرگ (۱۹۶۶) مبنی بر گرایش کلی زبان‌ها به پسوندافزایی<sup>۱</sup> است.

این گرایش کلی پسوندافزایی، واقعیت روان‌شناختی نیز دارد. زیرا، از آنجاکه معنای مرکزی در پایه است، گویشوران ابتدا تمایل به پردازش پایه نسبت به وند (پسوند) دارند (هاکینز و کاتلر ۱۹۸۸: ۳۱۱). به‌عبارت دیگر، پردازش الگوی «پایه - پسوند» برای گویشوران بسیار ساده‌تر از پردازش الگوی «پیشوند - پایه» است.

همان‌طورکه قبلاً بیان شد، انگیزه‌های رقیب که همگانی هستند، دستور زبان یک زبان

خاص را به وجود می‌آورند. از طرفی دستورها مواردی را بهتر رمزگذاری می‌کنند که گویشوران بیشتر انجام می‌دهند (دوبوا ۱۹۸۵: ۳۶۳). اینکه گویشوران چه چیزی را بیشتر انجام می‌دهند به پردازش موارد متضاد و موافق برمی‌گردد. این همان انگیزه‌های رقیب هستند که در بافت اجتماعی و شناختی افراد به صورت همگانی وجود دارند، اما براساس اعمالی که گویشوران بیشتر یا کمتر انجام می‌دهند، همواره در زبان‌های متفاوت برای رمزگذاری در رقابت‌اند. در کل، انگیزه‌های رقیب تبیینی برای گوناگونی‌های زبانی است.

کرافت (۲۰۰۳: ۶۹) به سه انگیزه رقیب برای وند اشاره می‌کند که عبارت‌اند از:

۱) ترجیح کلی به پسوند؛ ۲) هماهنگی زبان‌هایی با ترتیب واژه فعل - مفعول با پیشوند و مفعول - فعل با پسوند؛ ۳) ترجیح‌های خاص برای مقوله‌های صرفی خاص (مانند ترجیح پسوند برای بیان حالت).

در این پژوهش، به بررسی گرایش زبان‌های ایرانی برای انتخاب یکی از الگوهای «پیشوند - پایه» یا «پایه - پسوند» با توجه به ترتیب واژه آنها پرداخته‌ایم و برآن‌ایم تا انگیزه یا انگیزه‌های رقیبی را که زبان‌های ایرانی برای ترجیح یکی از این دو الگو برگزیده‌اند به دست آوریم.

#### ۴. تحلیل داده‌ها

در این بخش، ابتدا به تفکیک به بررسی میزان پسوندگرایی و پیشوندگرایی زبان‌های ایرانی منتخب در این پژوهش می‌پردازیم. سپس، گرایش کلی زبان‌های ایرانی برای انتخاب یکی از دو الگوی «پایه - پسوند» یا «پیشوند - پایه» و انگیزه یا انگیزه‌های رقیب منتخب زبان‌های ایرانی برای انتخاب یکی از این دو الگو، بررسی خواهد شد.

#### ۱.۴. بررسی میزان پسوندگرایی زبان‌های ایرانی

در این بخش، به بررسی میزان پسوندگرایی و پیشوندگرایی زبان‌های ایرانی بلوچی، تاتی، تالشی، گیلکی، دوانی، وفسی، کردی، لارستانی و فارسی می‌پردازیم.

#### ۱.۱.۴. بلوچی

بلوچی یکی از زبان‌های شاخه شمال غربی زبان‌های ایرانی است و در حال حاضر این زبان در ناحیه جنوب شرقی ایران رواج دارد. بلوچی دارای ترتیب واژه مفعول - فعل (OV) است. در بلوچی مفاهیم مفعول صریح و غیرصریح (مفعول صریح گروه اسمی‌ای است که موضوع فعل است و بی‌واسطه نسبت به فعل استفاده می‌شود. اما، مفعول غیرصریح گروه اسمی‌ای است که با بهره‌گیری از یک جزء رابطه خود را با فعل مشخص می‌کند)، شناسه‌ها (واژه‌بست‌ها یا وندهای تصریفی که برای بیان نقش دستوری مثل مطابقه به‌کارگرفته می‌شوند)، هسته‌نما و حالت‌نمای غیرفاعلی (حالت‌نماهایی که رابطه گروه اسمی را با فعل مشخص می‌کنند؛ مانند هسته‌نما که رمزگذاری هسته یک واحد نحوی را برعهده دارد)، معرفگی (مرجعی که برای شنونده و گوینده مشخص است)، نکرگی (مرجعی که برای گوینده مشخص و برای شنونده مبهم است)، نمود ناقص (توزیع عمل در زمان را نمود گویند؛ در این مورد عمل مورد نظر به اتمام نرسیده است)، بعیدساز (وندی که به عملی قبل از عملی دیگر در گذشته اشاره دارد)، نقلی‌ساز (وندی که به رخداد عملی در زمانی نامشخص در گذشته اشاره دارد)، مالکیت (رابطه مالکیت بین دو گروه اسمی را تعیین می‌کند)، قید (وندهایی که مقوله دستوری کلمه را به قید تبدیل می‌کنند)، تحییبی (برای بیان ادب مثبت یا به‌طور عامیانه خودمانی شدن استفاده می‌شود)، وصفی (رابطه صفت و موصوف را برقرار می‌کند یا فعل معنای توصیفی پیدا می‌کند)، شمار (تعداد مرجع را مانند مفرد و جمع مشخص می‌کند)، مصدرساز (فعل را به حالت مصدری می‌برد) و صفت تفضیلی و عالی با استفاده از پسوند و دو مفهوم التزامی (با افزوده شدن به ستاک فعل وجهیت التزامی را می‌رساند) و نفی (منفی‌سازی یک جزء زبانی) با بهره‌گیری از پیشوند بیان می‌شوند. مانند نمونه‌های زیر<sup>۱</sup>:

---

۱. همان‌طور که بیان شد، از آنجاکه تعداد شواهد بسیار زیاد و فضا محدود است، همه نمونه‌ها برای زبان‌ها ذکر نشده است و به چند نمونه بسنده می‌کنیم.



5) mas-ter big. COM «بزرگ‌تر»	(صفت تفضیلی)	6) ketāb-a book. DO «کتاب را»	(مفعول صریح)
7) mard- ak-i man-DEF-INDEX «آن مردی»	(هسته‌نما)	8) dār-it have. 3SG «او دارد»	(شناسه)
9) be-res-ant SBJV-arrive. 3PL «برسند»	(التزامی)	10) na-twbn-an(t) NEG.can.3PL «نمی‌توانند»	(نفی)

میزان پسوندگرایی بلوچی را در جدول زیر می‌توان مشاهده کرد:

جدول ۶. میزان پسوندگرایی و پیشوندگرایی بلوچی

پسوند	پیشوند	بلوچی
٪۸۷.۵	٪۱۲.۵	OV

همان‌طورکه از جدول فوق قابل استخراج است، گرایش زبان بلوچی به بیان مفاهیم با استفاده از پسوند بیشتر است.

#### ۲.۱.۴. تاتی

تاتی جزو زبان‌های شاخه شمال غربی زبان‌های ایرانی است که در منطقه گسترده‌ای در ایران، از مرزهای جنوبی رود ارس تا شهر ساوه به‌طور پراکنده به آن تکلم می‌شود. تاتی دارای ترتیب واژگانی (OV) است. در تاتی پسوند برای بیان مفاهیم مصدرساز، قید، شمار، حالت فاعلی و غیرفاعلی، نگرگی، ضمایر متصل غیرفاعلی، صفت فاعلی (انجام عملی را به موصوف نسبت می‌دهد و معنای فاعلی دارد)، صفت مفعولی (انجام عملی را به موصوف نسبت می‌دهد و معنای مفعولی دارد)، صفت نسبی (ویژگی‌های متفاوتی را به موصوف نسبت می‌دهد)، صفت لیاقت (شایستگی و لیاقت موصوف را می‌رساند)، صفت تفضیلی و عالی، نمود، ماده ماضی و مضارع، اسم‌گردانی (مقوله‌های دستوری دیگر را به اسم تبدیل

می‌کند)، تصغیری (به کوچک بودن مرجع اشاره دارد) و اسم آلت (جزء زبانی را به نام ابزار تبدیل می‌کند) و پیشوند برای بیان مفاهیم صفت فاعلی، نفی، وجه، نمود و افعال پیشوندی (این پیشوندها معانی متفاوتی را به فعل می‌افزایند). نمونه‌هایی را در زیر آورده‌ایم:

- |  |                 |  |                 |
|--|-----------------|--|-----------------|
| 11) pat-a<br>Cook. PTCP<br>«پخته‌شده»    | (صفت مفعولی)    | 12) zeynab-ako<br>Zeynab- CASE<br>«زینب (حالت غیرفاعلی)» | (حالت غیرفاعلی) |
| 13) tāl-ān<br>rooster. Pl<br>«خروس‌ها»   | (شمار)          | 14) āqal-tar<br>wise- COM<br>«عاقل‌تر»                   | (صفت تفضیلی)    |
| 15) bi-šin bi-šin<br>SBJV- go<br>«برویم» | (مضارع التزامی) | 16) na-č(č)iam na-č(č)iam<br>NEG-pick<br>«نچیدم»         | (نفی)           |

درصد به کارگیری پسوند و پیشوند در تاتی در جدول زیر قابل مشاهده است:

جدول ۷. میزان پسوندگرایی و پیشوندگرایی تاتی

پسوند	پیشوند	تاتی
٪۷۸.۲۶	٪۲۱.۷۳	OV

باتوجه به جدول فوق، می‌توان نتیجه گرفت که تاتی به بیان مفاهیم با استفاده از پسوند، گرایش دارد.

#### ۳.۱.۴. تالشی

تالشی از زبان‌های حاشیه دریای خزر و شاخه شمال غربی است. این زبان با دیگر زبان‌های حاشیه خزر و با زبان‌های مرکزی ایران ارتباط دارد. تالشی نیز از الگوی مفعول- فعل (OV) پیروی می‌کند. در تالشی شاهد کدگذاری مفاهیم نظام حالت، تأکیدی (بر روی جزئی از زبان تأکید می‌کند)، زمان، نکرگی، شناسه، صفت فاعلی، صفت مفعولی، تحبیبی، صفت نسبی، صفت لیاقت، قید، صفت نفی، مصدرساز، ماده ماضی، سببی‌ساز (معنای عامل را

به فعل می‌افزاید)، مجهول (فعل را به جهت مجهول تبدیل می‌کند)، شمار و اسم‌گردانی با استفاده از پسوند و کدگذاری مفاهیم صفت فاعلی، نفی، وجه و نمود با استفاده از پیشوند هستیم. در زیر مواردی را به‌عنوان نمونه می‌آوریم:

17) zəng-i (حالت غیرفاعلی) knee- CASE «زانو (حالت غیرفاعلی)»	18) sif-ün (شمار) apple.Pl «سیب‌ها»
19) gada-liya (تحییی) Small-END «کوچولو»	20) āz-an (تأکید) I- FOC «من (تأکید)»
21) ba-hānd-əm (التزامی) SBJV-read.1SG «بخوانم»	22) hārd-ina-š (نمود ناقص) eat-IMPF-2SG «داری می‌خوری»

میزان استفاده از پسوند را در تالشی به‌صورت جدول زیر می‌توان ارائه داد:

جدول ۸. میزان پسوندگرایی و پیشوندگرایی تالشی

پسوند	پیشوند	تالشی
٪۷۸.۲۶	٪۲۱.۷۳	OV

براساس جدول بالا، گرایش قالب در زبان تالشی به بیان مفاهیم با پسوند است.

#### ۴.۱.۴. دوانی

دوانی متعلق به شاخه جنوب غربی زبان‌های ایرانی است که در روستای دوان نزدیکی کازرون به آن تکلم می‌شود. ترتیب واژگانی این زبان مفعول - فعل (OV) است. در دوانی مفهوم‌هایی از قبیل موصول‌ساز (گروه اسمی را برای داشتن یک بند موصولی آماده می‌کند)، صفت تفضیلی و عالی، معرفگی، اسم مفعول، نکرگی، مصدرساز، شمار، نشانه حالت (به‌ای)، شناسه‌ها با بهره‌گیری از پسوند و مفهوم‌هایی از قبیل نمود، وجه و نفی با بهره‌گیری

از پیشوند بیان می‌شوند. مانند نمونه‌های زیر:

23) ketāv-au book-DEF «کتاب را»	(معرفگی)	24) merd-i man-REL «مردی که»	(موصول‌ساز)
25) košt-an kill-INF «کشتن»	(مصدرساز)	26) xordek-ter small-COMPI «کوچک‌تر»	(صفت تفضیلی)
27) me:-ze IMPF-make PST «می‌کرد»	(نمود)	28) bo-xun-en SBJV-read.3PL «بخوانند»	(وجه)

براساس بررسی‌های انجام گرفته میزان استفاده از پسوند و پیشوند در دوانی را در جدول زیر می‌توان نشان داد:

جدول ۹. میزان پسوندگرایی و پیشوندگرایی دوانی

پسوند	پیشوند	دوانی
٪۷۲.۷۲	٪۲۷.۲۷	OV

طبق جدول بالا، میزان پسوندگرایی از پیشوندگرایی بیشتر است.

#### ۵.۱.۴. فارسی

فارسی از جمله زبان‌های جنوب غربی با ترتیب واژه مفعول - فعل (OV) است. زبان فارسی یکی از قدیمی‌ترین زبان‌های مکتوب جهان است که سیر تاریخی آن قطع نشده است (نغزگوی کهن و داوری ۱۳۹۳: ۲۴۴). این زبان در کشورهای افغانستان، تاجیکستان، ازبکستان، پاکستان و هند گویشورانی دارد. در زبان فارسی، مفاهیم نگرگی، شمار، صفت تفضیلی و عالی، شناسه‌ها، صفت فاعلی، صفت لیاقت، صفت مفعولی، مصدرساز، موصول‌ساز، سببی، قید مشتق، اسم فاعل، اسم مصدر (اسم مشتق شده از فعل که نشانه

مصدر ندارد اما مفهوم آن را دارد)، اسم حالت (اسم مشتقی که به حالت یا وضعیتی اشاره دارد)، تصغیری و زمان گذشته با استفاده از پسوند کدگذاری می‌شوند و سه مفهوم نمود، وجه و نفی با استفاده از پیشوند بیان می‌شوند. نمونه‌هایی در زیر آورده شده است:

29) ketāb-če book-DIM «کتابچه»	(تصغیری)	30) res-id arrive-PST «رسید»	(زمان گذشته)
31) ju:šān-de boil-PAST PTCP «جوشانده»	(صفت مفعولی)	32) gerj-eh cry-GER «گریه»	(اسم مصدر)
33) mi-nevis-am PROG-write.1SG «می‌نویسم»	(نمود)	34) nā-dān NEG-know «نادان»	(نفی)

باتوجه به شواهد بررسی شده، میزان بهره‌گیری از پسوند و پیشوند را در زبان فارسی می‌توان در قالب جدول زیر ارائه کرد:

جدول ۱۰. میزان پسوندگرایی و پیشوندگرایی فارسی		
پسوند	پیشوند	فارسی
٪۸۴.۲۲	٪۱۵.۷۸	OV

همان‌طورکه مشخص است، در زبان فارسی نیز گرایش به سمت پسوند است.

#### ۶.۱.۴. کردی (سنندجی و بانه‌ای)

کردی جزو زبان‌های شمال غربی زبان‌های ایرانی است. کردی خود به سه شاخه کردی شمالی، مرکزی و جنوبی تقسیم می‌شود و دارای ترتیب واژه مفعول - فعل (OV) است. گویش‌های سنندجی و بانه‌ای در گروه گویشی کردی مرکزی قرار دارند. در کردی به جز سه مفهوم وجه، نمود و نفی که به صورت پیشوند بیان می‌شوند، مابقی مفهوم‌ها با استفاده از

پسوند کدگذاری می‌شوند. این مفاهیم عبارت‌اند از: معرفگی، صفت‌ساز، شمار، هسته‌نما، صفت تفضیلی و عالی، شناسه‌ها، نکرگی، اسم مفعول (صفتی که نشان‌دهنده اعمال عملی بر فعلی است)، مصدرساز، افعال پسوندی و نقلی‌ساز و بعیدساز. مواردی به‌عنوان نمونه در زیر ذکر می‌شوند:

35) woxt-e(k) time-INDF «وقتی»	(نکرگی)	36) kut-ı say.PAST PTCP «گفته»	(اسم مفعول)
37) aw-āna s/he.PL «آنها»	(شمار)	38) xwenden-i read-ADJ SUF «خواندنی»	(صفت‌ساز)
39) a-xwa-n IND-eat.2PL «می‌خورید»	(وجه)	40) nā-ka-m NEG-do.1SG «نکردم»	(نفی)

طبق موارد مورد بررسی، میزان پسوندگرایی کردی نیز از پیشوندگرایی آن بیشتر است که در جدول زیر قابل مشاهده می‌باشد:

جدول ۱۱. میزان پسوندگرایی و پیشوندگرایی کردی

پسوند	پیشوند	کردی
٪۸۰	٪۲۰	OV

همان‌طورکه مشخص است، در این زبان ایرانی نیز میزان پسوندگرایی بیشتر از پیشوندگرایی است.

#### ۷.۱.۴. گیلکی

گیلکی یکی از زبان‌های حاشیه دریای خزر و متعلق به شاخه شمال غربی زبان‌های ایرانی است و در گروه زبان‌های مفعول - فعل (OV) قرار دارد. این زبان در استان گیلان تکلم

می‌شود. در این زبان دو مفهوم نفی و وجه با پیشوند و مفهوم‌های شمار، نکرگی، صفت تفضیلی، مصدرساز، شناسه‌ها، صفت نسبی، اعداد ترتیبی، سببی‌ساز، نمود و اسم مفعول با پسوند بیان می‌شوند. شواهد زیر مواردی از کاربرد این وندها را نشان می‌دهد:

41) borsəft-ə tear-PST.PTCP «پاره‌شده»	(اسم مفعول)	42) pənʃ-umi five-ORD NUM «پنجمین»	(اعداد ترتیبی)
43) xurdi-m(i) eat-IMPF «می‌خوردیم»	(نمود)	44) dārān-ə tree.PL «درخت‌ها»	(شمار)
45) bu-xur-im SBJV-eat.3PL «بخوریم»	(وجه)	46) nə-kār-əm NEG-plant.1SG «نمی‌کارم»	(نفی)

میزان بهره‌گیری از پسوند و پیشوند در زبان گیلکی برای بیان مفاهیم از جدول زیر قابل استخراج است:

جدول ۱۲. میزان پسوندگرایی و پیشوندگرایی گیلکی

پسوند	پیشوند	گیلکی
٪۸۳.۳۳	٪۱۶.۶۷	OV

همان‌طورکه مشخص است، میزان پسوندگرایی در گیلکی بسیار زیاد است.

#### ۸.۱.۴. لارستانی

لارستانی در شاخه جنوب غربی زبان‌های ایرانی قرار می‌گیرد. گویشی که در اینجا مد نظر است، گویشی است که در شهر لار به آن تکلم می‌شود. این زبان دارای ترتیب واژه مفعول - فعل (OV) است. در این زبان مفهوم‌های زیادی با استفاده از پسوند کدگذاری می‌شوند که عبارت‌اند از: معرفگی، شمار، شناسه‌ها، نکرگی، صفت تفضیلی و عالی، اسم مفعول،

مصدرساز، نسبی‌ساز، نفی صفت و موصولی‌ساز. همچنین شاهد کدگذاری مفهوم‌های نمود، وجه و نفی با استفاده از پیشوند هستیم. نمونه‌هایی در زیر آورده شده است:

47) mard-ü man-DEF «آن مرد»	(معرفگی)	48) ana-iyā s/he.PL «آنها»	(شمار)
49) kokol-tar small.COMPI «کوچک‌تر»	(صفت تفضیلی)	50) čed-e go-PST.PTCP «رفته»	(اسم مفعول)
51) ni-s-em NEG-be.1SG «نیستم»	(نفی)	52) be-ras-en SBJV-arrive.3PL «برسند»	(وجه)

از داده‌های در دسترس می‌توان به میزان پسوندگرایی لارستانی پی برد. در جدول زیر، میزان پسوندگرایی این زبان مشخص است:

جدول ۱۳. میزان پسوندگرایی و پیشوندگرایی لارستانی

پسوند	پیشوند	لارستانی
٪۷۶.۹۲	٪۲۳.۰۸	OV

همان‌طور که مشخص است، در این زبان نیز گرایش به سمت استفاده از پسوند است.

#### ۹.۱.۴. وفسی

وفسی از زبان‌های شمالی غربی با ترتیب واژه مفعول - فعل (OV) است. این زبان در منطقه وفس، واقع در شمال غربی استان مرکزی در چهار روستا گفت‌وگو می‌شود. در این زبان از پسوند برای بیان مفهوم‌های شناسه‌ها، صفت تفضیلی، هسته‌نما، جنسیت، شمار، اسم‌ساز و نظام حالت (غیرفاعلی، دری، بایی و ازی) استفاده می‌شود. تنها سه مفهوم نمود، نفی و وجه با استفاده از پیشوند بیان می‌شوند. در زیر شواهدی آورده شده است:



53) kelley-r Key-INS «با کلید»	(حالت بایی)	54) maryam-e Maryam-CASE. F «به مریم»	(حالت غیرفاعلی مؤنث)
55) suāl-ān question.PL «سؤال‌ها»	(شمار)	56) das-da group-NOUN SUF «دسته»	(اسم‌ساز)
57) bā-wätte PRF-say «گفته‌اند»	(نمود)	58) n-ar-bu NEG-PROG-have «نمی‌شوم»	(نفی)

میزان پسوندگرایی این زبان را در جدول زیر می‌توان مشاهده کرد:

جدول ۱۴. میزان پسوندگرایی و پیشوندگرایی وفسی

پسوند	پیشوند	وفسی
٪۷۰	٪۳۰	OV

از جدول فوق میزان پسوندگرایی بالای وفسی مشخص است.

۲.۴. میزان پسوندگرایی زبان‌های ایرانی و انگیزه‌های رقیب منتخب  
 از آنچه گذشت، می‌توان دریافت که زبان‌های ایرانی نیز مانند دیگر زبان‌های جهان، گرایش به بیان مفاهیم با استفاده از پسوند دارند؛ یعنی الگوی «پایه - پسوند» را ترجیح می‌دهند. میانگین کل پسوندگرایی و پیشوندگرایی زبان‌های ایرانی در قالب جدول ۱۵ ارائه شده است:

جدول ۱۵. میزان پسوندگرایی و پیشوندگرایی زبان‌های ایرانی

پسوند	پیشوند	زبان‌های ایرانی
٪۷۹.۰۲	٪۲۰.۹۸	OV

همان‌طورکه از جدول ۱۵ برمی‌آید، زبان‌های ایرانی تنها ۲۰.۹۸٪ مفاهیم را با بهره‌گیری از پیشوند و ۷۹.۰۲٪ مفاهیم را با بهره‌گیری از پسوند کدگذاری می‌کنند. این اختلاف

مقدار، بسیار زیاد و معنادار است و می‌توان نتیجه گرفت که زبان‌های ایرانی گرایش به سمت بیان مفاهیم با استفاده از پسوند دارند؛ یعنی، الگوی «پایه - پسوند» را به الگوی «پیشوند - پایه» ترجیح می‌دهند. به طور کلی، مفاهیمی را که با استفاده از پسوند و پیشوند در زبان‌های ایرانی بیان می‌شوند، در قالب جدول ۱۶ می‌توان خلاصه کرد:

جدول ۱۶. بیان مفاهیم با استفاده از پسوند یا پیشوند

بیان مفاهیم با استفاده از پیشوند	هر دو	بیان مفاهیم با استفاده از پسوند
نفی، وجه، نمود، پیشوندهای فعلی، صفت فاعلی	نمود و صفت فاعلی	مفعول صریح و غیرصریح، شناسه، هسته‌نما، نظام حالت، معرفگی، نگرگی، نمود ناقص، بعیدساز، نقلی‌ساز، مالکیت، قید، تحییی و تصغیری، وصفی، شمار، مصدرساز، صفت تقضیلی - عالی - لیاقت - فاعلی - مفعولی - نفی و نسبی، ضمائر متصل غیرفاعلی، نمود، ماده ماضی و مضارع، اسم‌گردانی، اسم آلت، تأکید، زمان، سببی‌ساز، مجهول، موصول‌ساز، اسم مفعول، پسوندهای فعلی، اعداد ترتیبی و جنسیت

باتوجه به جدول فوق، بخش قابل توجهی از مفاهیم در زبان‌های ایرانی، با استفاده از پسوند بیان می‌شوند؛ این بدان معنا است که پیش‌بینی کرافت (۲۰۰۳) مبنی بر ترجیح الگوی «پایه - پسوند» در بین زبان‌های ایرانی صحیح است. علت انتخاب الگوی «پایه - پسوند»، گزینش انگیزه رقیب «ترجیح کلی به پسوند» (انگیزه اول) است. زیرا پردازش الگوی «پایه - پسوند» بسیار ساده‌تر از الگوی «پیشوند - پایه» است، چون در این الگو ابتدا پایه (هسته) که دارای معنای اصلی است و سپس وند به‌عنوان وابسته پردازش می‌شود. در نتیجه، این الگوی ارجح واقعیت روان‌شناختی دارد. در همین راستا، به سلسله مراتبی می‌توان دست یافت که در زیر تحت عنوان شماره ۱۷ آورده شده است (گرینبرگ ۱۹۶۶: ۹۲):

(۱۷) پیشوند < پسوند

این سلسله مراتب به این معنا است که اگر زبانی پیشوند داشته باشد، به احتمال خیلی زیاد دارای پسوند نیز است، اما برعکس این ادعا صحیح نیست.

## ۵. نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر پس از بررسی‌های انجام‌گرفته، نگارندگان به این نتیجه رسیدند که زبان‌های ایرانی نیز همانند دیگر زبان‌های جهان با گزینش انگیزه رقیب (گرایش کلی به پسوند) الگوی «پایه - پسوند» را ترجیح می‌دهند. در این بررسی مختصر زبان‌های ایرانی حدوداً در ۷۹٪ موارد مفاهیم را با استفاده از پسوند و تنها در ۲۱٪ موارد مفاهیم را با استفاده از پیشوند، کدگذاری می‌کنند. این ارقام حاکی از گرایش کلی زبان‌های ایرانی به پسوند است. همچنین، در این پژوهش سلسله مراتبی به‌دست آوردیم، مبنی بر اینکه اگر زبانی پیشوند داشته باشد به احتمال خیلی زیاد دارای پسوند نیز است، این سلسله مراتب را در زیر آورده‌ایم:

پیشوند < پسوند

## منابع

- پورهادی، مسعود، ۱۳۸۷، زبان گیلکی، رشت.  
دبیرمقدم، محمد، ۱۳۹۲، رده‌شناسی زبان‌های ایرانی، ۲ ج، تهران.  
رضایتی کیشه‌خاله، محرم، ۱۳۸۶، زبان تالشی (توصیف گویش مرکزی)، رشت.  
سبزعلیپور، جهان‌دوست، ۱۳۸۹، زبان تاتی (توصیف گویش تاتی رودبار)، رشت.  
طباطبایی، علاءالدین، ۱۳۹۵، فرهنگ توصیفی دستور زبان فارسی، تهران.  
نغزگوی‌کهن، مهرداد و داوری، شادی، ۱۳۹۳، فرهنگ توصیفی زبان‌شناسی تاریخی، تهران.  
Behaghel, O., 1923, *Deutsche Syntax*, Band 4. *Die Stzgebilde*, Heidelberg.  
Croft, W., 2003, "Typology", *Encyclopedia of Cognitive Science*, ed. L. Nadel.  
Dryer, M., 2001, Unpublished Typological Database.  
Du Bois, J. W., 1985, "Competing Motivations", *Iconicity in Syntax*, ed. J. Haiman, Amsterdam, pp. 343-365.  
Givón, T., 1988, "The Pragmatics of Word Order: Predictability, Importance and Attention", *Studies in Syntactic Typology*, Amsterdam, pp. 243-284.  
Greenberg, J. H., 1957, "Order of Affixing: A Study in General Linguistics", *Essays in linguistics*, Chicago, pp. 86-94.  
———, 1966, "Some Universals of Grammar with Particular Reference to the Order of Meaningful Elements", *Universals of Language*, 2<sup>nd</sup>, ed. J. H. Greenberg, Cambridge, pp. 73-113.  
Haiman, J., 1985, *Natural syntax*, Cambridge.

- Hawkins, J. A., and Cutler, A., 1988, "Psycholinguistic Factors in Morphological Asymmetry", *Explaining Language Universals*, Oxford, pp. 280-317.
- , and Gilligan, G., 1988, "Prefixing and Suffixing Universals in Relation to Basic Word Order", *Lingua*, 74 (2-3), pp. 219-259.
- Jespersen, O., 1909, *A Modern English Grammar on Historical Principles*, 7 vols., Copenhagen.
- Mithun, M., 1987, "Is Basic Word Order Universal?", *Coherence and Grounding in Discourse*, ed. R. Tomlin, Amsterdam, pp. 281-328.
- Tomlin, R. S., 1986, *Basic Word Order: Functional Principles*, London.

